

FOR THE GOVERNMENT OF
THE REPUBLIC OF TURKEY

FOR THE GOVERNMENT OF THE
ISLAMIC REPUBLIC OF IRAN

Mehmet KEÇECILER
Minister of State

Tahmaseb MAZAHERI
Minister of Economy
and Finance

موافقتنامه

بین دولت جمهوری ترکیه

و

دولت جمهوری اسلامی ایران

بمنظور اجتناب از اخذ مالیات مضاعف و جلوگیری از فرار مالی

در مورد

مالیاتهای بردرآمد و سرمایه

دولت جمهوری ترکیه

و

دولت جمهوری اسلامی ایران

با تمایل به انعقاد موافقتنامه ای بمنظور اجتناب از اخذ مالیات مضاعف و جلوگیری از فرار مالی در مورد مالیاتهای بردرآمد و سرمایه ، بشرح زیرتوافق نمودند:

ماده ۱

اشخاص مشمول موافقتنامه

این موافقتنامه ناظر بر اشخاصی است که مقیم قلمرو یکی از دولتهای متعاقد یا هردو آنها باشند.

ماده ۲

مالیاتهای موضوع موافقتنامه

- ۱- این موافقتنامه شامل مالیات بردرآمد و مالیات بر سرمایه ای است که صرفنظر از نحوه اخذ آنها، از سوی هر دولت متعاقد یا تقسیمات فرعی سیاسی یا مقامات محلی آنها وضع میگردد.
- ۲- مالیات بر درآمد و سرمایه عبارتند از کلیه مالیاتهای متعلقه بر کل درآمد، کل سرمایه ، یا اجزای درآمد یا سرمایه از جمله مالیات درآمدهای حاصل از نقل و انتقال اموال منقول یا غیرمنقول ، مالیات بر کل مبالغ دستمزد یا حقوق پرداختی توسط موسسات و همچنین مالیات بر افزایش ارزش سرمایه.
- ۳- مالیاتهای موجود مشمول این موافقتنامه عبارتند از:

الف : در مورد جمهوری ترکیه (که از این پس "ترکیه" نامیده میشود) :

- مالیات بر درآمد،
- مالیات بر شرکتهای،
- عوارض وضع شده بر مالیات بر درآمد و مالیات بر شرکتهای (که از این پس "مالیات ترکیه" نامیده میشود).

ب : در مورد جمهوری اسلامی ایران:

- مالیات بر درآمد موضوع قانون مالیاتهای مستقیم،
- (که از این پس "مالیات جمهوری اسلامی ایران" نامیده میشود).

- ۴- این موافقتنامه شامل مالیاتهایی که نظیر یا در اساس مشابه مالیاتهای موجود بوده و بعد از امضاء ایس موافقتنامه به آنها اضافه و یا بجای آنها وضع شود نیز خواهد بود . مقامات صلاحیتدار دولتهای متعاقد ، یکدیگر را از هر تغییر مهمی که در قوانین مالیاتی مربوط به آنها حاصل شود ، مطلع خواهند نمود.

ماده ۳

۴- این موافقتنامه شامل مالیاتهایی که نظیر یا در اساس مشابه مالیاتهای موجود بوده و بعد از امضاء ایس موافقتنامه به آنها اضافه و یا بجای آنها وضع شود نیز خواهد بود. مقامات صلاحیتدار دولتهای متعاقد، یکدیگر را از هر تغییر مهمی که در قوانین مالیاتی مربوط به آنها حاصل شود، مطلع خواهند نمود.

ماده ۳

تعاریف کلی

۱- از لحاظ این موافقتنامه، جز در مواردیکه سیاق عبارت مفهوم دیگری را اقتضا نماید.

الف :

- اصطلاح "ترکیه" به قلمرو تحت حاکمیت جمهوری ترکیه اطلاق میشود.

- اصطلاح "جمهوری اسلامی ایران" به قلمرو تحت حاکمیت و یا صلاحیت جمهوری اسلامی ایران اطلاق میشود.

ب : اصطلاح "یک دولت متعاقد" و "دولت متعاقد دیگر" بنا به اقتضای متن به ترکیه یا جمهوری اسلامی ایران اطلاق میشود.

پ : اصطلاح "مالیات" اطلاق میشود به کلیه مالیاتهای موضوع ماده (۲) این موافقتنامه.

ت : اصطلاح "شخص" شامل شخص حقیقی، شرکت و سایر انواع اشخاص میباشد.

ث : اصطلاح "شرکت" اطلاق میشود به هر شخص حقوقی یا هر موسسه‌ای که از لحاظ مالیاتی بعنوان شخص حقوقی محسوب میگردد.

ج : اصطلاح "دفتر ثبت شده" بمفهوم دفتر مرکزی ثبت شده طبق قوانین مربوط هر دولت متعاقد میباشد.

چ : اصطلاح "تبعه" اطلاق میشود به:

- هر شخص حقیقی که دارای تابعیت یک دولت متعاقد باشد.

- هر شخص حقوقی، مشارکت یا شرکتی که وضعیت قانونی خود را بموجب قوانین جاری در یک دولت متعاقد کسب نماید.

ح : اصطلاحات "موسسه یک دولت متعاقد" و "موسسه دولت متعاقد دیگر" به ترتیب به موسسه‌ای که بوسیله مقیم یک دولت متعاقد و موسسه‌ای که بوسیله مقیم دولت متعاقد دیگر اداره میگردد اطلاق میشود.

خ : اصطلاح "مقام صلاحیتدار" اطلاق میشود:

- در مورد جمهوری ترکیه، وزیر دارائی یا نماینده مجاز او.

- در مورد جمهوری اسلامی ایران، وزیر امور اقتصادی و دارائی یا نماینده مجاز او.

د : اصطلاح "حمل و نقل بین‌المللی" به هرگونه حمل و نقل توسط کشتی، وسائط نقلیه هوایی یا جاده‌ای اطلاق میشود که توسط موسسه ترکیه‌ای یا ایرانی انجام میشود، باستثنای مواردیکه کشتی، وسائط نقلیه هوایی یا جاده‌ای صرفاً برای حمل و نقل بین نقاط واقع در قلمرو ترکیه یا جمهوری اسلامی ایران استفاده شود.

۴- در اجرای این موافقتنامه توسط یک دولت متعاقد، هر اصطلاحیکه تعریف نشده باشد، دارای معنای بکار رفته در قوانین آن دولت متعاقد راجع به مالیاتهای موضوع این موافقتنامه است، بجز در مواردیکه اقتضای سیاق عبارت به گونه‌ای دیگر باشد.

۲- در اجرای این موافقتنامه توسط یک دولت متعاهد، هر اصطلاحی که تعریف نشده باشد، دارای معنای بکار رفته در قوانین آن دولت متعاهدرا به مالیاتهای موضوع این موافقتنامه است، بجز در مواردیکه اقتضای سیاق عبارت به گونه ای دیگر باشد.

ماده ۴

مقیم

۱- از لحاظ این موافقتنامه اصطلاح 'مقیم' یک دولت متعاهد به هر شخصی اطلاق میشود که بموجب قوانین آن دولت، از حیث اقامتگاه، محل سکونت، محل ثبت، محل مدیریت یا بجهت مشابه دیگر مشمول مالیات آن دولت باشد.

۲- در صورتیکه حسب مقررات بند (۱) این ماده شخص حقیقی، مقیم هر دو دولت متعاهد باشد، وضعیت او بشرح زیر تعیین خواهد شد:

الف: او مقیم دولتی تلقی خواهد شد که در آن، محل سکونت دائمی در اختیار دارد. اگر او در هر دو دولت محل سکونت دائمی در اختیار داشته باشد، مقیم دولتی تلقی خواهد شد که در آن غلبه شخصی واقتصادی بیشتری دارد (مرکز منافع حیاتی).

ب: هرگاه نتوان دولتی را که وی در آن مرکز منافع حیاتی دارد تعیین کرد، با چنانچه او در هیچیک از دو دولت، محل سکونت دائمی در اختیار نداشته باشد، مقیم دولت متعاهدی تلقی خواهد شد که معمولاً در آنجا بسر می برد.

پ: هرگاه او معمولاً در هر دو دولت متعاهد بسر برد یا در هیچیک بسر نبرد، مقیم دولتی تلقی میشود که تابعیت آنرا دارد.

ت: هرگاه اوتابعیت هر دو دولت را داشته باشد یا تبعه هیچیک از آنها نباشد، موضوع با توافق مقامات صلاحیتدار دو دولت متعاهد حل و فصل خواهد شد.

۳- در صورتیکه، حسب مقررات بند (۱)، شخصی غیر از شخص حقیقی مقیم هر دو دولت متعاهد باشد، آن شخص، مقیم دولتی تلقی خواهد شد که دفتر ثبت شده وی در آن واقع است.

ماده ۵

مقر دائم

۱- از لحاظ این موافقتنامه اصطلاح 'مقر دائم' به محل ثابتی اطلاق میشود که از طریق آن، موسسه یک دولت متعاهد کلاً یا جزئاً به کسب و کار اشتغال دارد.

۲- اصطلاح 'مقر دائم' بویژه شامل موارد زیر است:

الف: محل اداره

ب: شعبه

پ: دفتر

ت: کارخانه

ث: کارگاه

ج: معدن، چاه نفت یا گاز، معدن سنگ یا هر محل دیگر استخراج از منابع طبیعی، و

چ: کارگاه ساختمانی، پروژه ساخت، سوار کردن و یا نصب ساختمان، ولی فقط در صورتیکه این کارگاه، پروژه یا فعالیتهای بیش از (۶) ماه استقرار یا ادامه داشته باشد.

۳- علیرغم مقررات قبلی این ماده، اصطلاح 'مقر دائم' شامل موارد زیر نخواهد بود:

الف: استفاده از تأسیسات، صرفاً بمنظور انبار کردن یا نمایش اجناس یا کالاهای متعلق به موسسه.

- ج . سرمایه‌های شخصی ، پرونده‌ها ، صورتحساب‌ها و ...
یا فعالیتها بیش از (۶) ماه استقرار یا ادامه داشته باشد.
- ۳- علیرغم مقررات قبلی این ماده ، اصطلاح "مقررات" شامل موارد زیر نخواهد بود:
- الف : استفاده از تأسیسات، صرفاً بمنظور انبار کردن یا نمایش اجناس یا کالاهای متعلق به موسسه .
- ب : نگهداری کالا یا اجناس متعلق به موسسه ، صرفاً بمنظور انبار کردن یا نمایش.
- پ : نگهداری کالا یا اجناس متعلق به موسسه ، صرفاً بمنظور فرآوری آنها توسط موسسه دیگر.
- ت : نگهداری محل ثابت کسب و کار صرفاً بمنظور خرید کالاها یا اجناس ، یا گردآوری اطلاعات برای موسسه .
- ث : نگهداری محل ثابت کسب و کار صرفاً بمنظور انجام سایر فعالیتهایی که برای آن موسسه دارای جنبه تمهیدی یا کمکی باشد.
- ج : نگهداری محل ثابت کسب و کار صرفاً بمنظور ترکیبی از فعالیتهای مذکور در جزءهای (الف) تا (ث) ، بشرط آنکه فعالیت کلی محل ثابت شغلی حاصل از این ترکیب ، دارای جنبه تمهیدی یا کمکی باشد.
- ۴- علیرغم مقررات بندهای (۱ و ۲) در صورتیکه شخصی (غیر از عاملی که دارای وضعیت مستقل بوده و مشمول بند (۵) است) در یک دولت متعاقد از طرف موسسه ای فعالیت کند و دارای اختیار انعقاد قرارداد بنام آن موسسه باشد و اختیار مزبور را بطور معمول اعمال کند، آن موسسه در مورد فعالیتهاییکه این شخص برای آن انجام میدهد ، در آن دولت دارای مقرراتم تلقی خواهد شد مگر آنکه فعالیتهای شخص مزبور محدود به موارد مذکور در بند (۳) باشد، که در اینصورت آن فعالیتها چنانچه از طریق محل ثابت کسب و کار نیز انجام گیرند بموجب مقررات بند مذکور ، این محل ثابت کسب و کار را به مقر دائم تبدیل نخواهد کرد.
- ۵- موسسه یک دولت متعاقد صرفاً به سبب آنکه در دولت متعاقد دیگر از طریق حق العملکار ، دلال یا هر عامل مستقل دیگری به انجام امور میپردازد ، دارای مقر دائم در آن دولت متعاقد دیگر تلقی نخواهد شد مشروط بر آنکه عملیات اشخاص مزبور در جریان عادی کسب و کار آنان صورت گیرد . مع ذلک ، هرگاه فعالیتهای چنین عاملی بطور کامل یا تقریباً کامل به آن موسسه تخصیص یافته باشد ، از لحاظ مفهوم این بند بعنوان عامل دارای وضعیت مستقل قلمداد نخواهد شد.
- ۶- صرف اینکه شرکت مقیم یک دولت متعاقد ، شرکت مقیم و یا فعال در دولت متعاقد دیگر را کنترل میکند و یا تحت کنترل آن قرار دارد (خواه از طریق مقر دائم و خواه بنحو دیگر) بخودی خود برای اینکه یکی از آنها مقر دائم دیگری محسوب شود ، کافی نخواهد بود .

ماده ۶

درآمد حاصل از اموال غیر منقول

۱- درآمد حاصل توسط مقیم یک دولت متعاقد از اموال غیر منقول واقع در دولت متعاقد دیگر (از جمله درآمد حاصل از کشاورزی یا جنگلداری) ، مشمول مالیات آن دولت متعاقد دیگر خواهد بود .

۲- اصطلاح "اموال غیر منقول" دارای همان تعریفی است که در قوانین دولت متعاهدی که اموال مزبور در آن قرارداد، آمده است . این اصطلاح بهرحال شامل ملحقات مربوط به اموال غیر منقول ، احشام و اسباب و ادوات مورد استفاده در کشاورزی و جنگلداری ، انواع مکاتهای ماهیگیری ، حقوقی که مقررات فواید عامه ، ارجع به مانتکبست اراضی ، در مورد آنها اعمال میگردد ، حق انتفاع از اموال غیر منقول و حقوق مربوط به پرداختهای ثابت یا متغیر در ارضی یا حق انجام کار ، ذخائر معدنی ، سرچشمه ها و سایر منابع طبیعی خواهد بود . کشتی ها ، قایقها و وسائط نقلیه هوایی

در صورتی که اموال غیر منقول دارای همان نوعی است که در قوانین دولت معاهدی که اموال مزبور در آن قرار دارد، آمده است. این اصطلاح بهرحال شامل ملحقات مربوط به اموال غیر منقول، احشام و اسباب و ادوات مورد استفاده در کشاورزی و جنگلداری، انواع مکانهای ماهیگیری، حقوقی که مقررات فوئین عامه، احوالیه و مالکیت ارضی، در مورد آنها اعمال میگردد، حق انتفاع از اموال غیر منقول و حقوق مربوط به پرداختهای ثابت یا متغیر در ارضی که یا حق انجام کار، ذخائر معدنی، سرچشمه ها و سایر منابع طبیعی خواهد بود. کشتی ها، قایقها و وسائط نقلیه هوایی بعنوان اموال غیر منقول محسوب نخواهند شد.

۳- مقررات بند (۱) این ماده نسبت به درآمد حاصل از استفاده مستقیم، اجاره یا هر شکل دیگر استفاده از اموال غیر منقول جاری خواهد بود.

۴- مقررات بندهای (۱ و ۳) این ماده در مورد درآمد ناشی از اموال غیر منقول موسسه و درآمد ناشی از اموال غیر منقول مورد استفاده برای انجام خدمات شخصی مستقل نیز جاری خواهد شد.

ماده ۷

درآمدهای تجاری

۱- درآمد موسسه یک دولت متعاهد فقط مشمول مالیات همان دولت خواهد بود مگر اینکه این موسسه از طریق مقر دائم واقع در دولت متعاهد دیگر امور تجاری خود را انجام دهد. چنانچه موسسه از طریق مزبور به کسب و کاربرد درآمد آن موسسه فقط تاحدودی که مرتبط با مقر دائم مذکور باشد، مشمول مالیات دولت متعاهد دیگر میشود.

۲- با رعایت مقررات بند (۳) این ماده، در صورتیکه موسسه یک دولت متعاهد از طریق مقر دائم واقع در دولت متعاهد دیگر فعالیت نماید، آن مقر دائم در هر یک از دو دولت متعاهد، دارای درآمدی تلقی میشود که اگر بصورت موسسه ای متمایز و مجزا و کاملاً مستقل از موسسه ای که مقر دائم آن است به فعالیتهای نظیر یا مشابه در شرایط نظیر یا مشابه اشتغال داشت، میتواند تحصیل کند.

۳- در تعیین درآمد مقر دائم، هزینه های قابل قبول از جمله هزینه های اجرائی و هزینه های عمومی اداری (که چنانچه این مقر دائمی یک موسسه مستقل می بود قابل کسر بود) تا حدودیکه این هزینه ها برای مقاصد آن مقر دائم تخصیص یافته باشند، کسر خواهد شد، اعم از آنکه در دولتی که مقر دائم در آن واقع شده است، انجام پذیرد، یا در جای دیگر.

۴- صرف آنکه مقر دائم برای موسسه جنس یا کالا خریداری میکند، موجب منظور داشتن درآمد برای آن مقر دائم نخواهد بود.

۵- در صورتیکه درآمد شامل اقلامی از درآمد باشد که طبق سایر مواد این موافقتنامه حکم جداگانه ای دارد، مفاد این ماده خدشه ای به مقررات آن مواد وارد نخواهد آورد.

ماده ۸

کشتیرانی، حمل و نقل هوایی و زمینی

درآمد حاصل توسط موسسه یک دولت متعاهد بابت استفاده از کشتی ها، وسائط نقلیه هوایی یا جاده ای در حمل و نقل بین المللی فقط مشمول مالیات آن دولت خواهد بود.

ماده ۹

موسسات شریک

۱- در صورتیکه:

الف: موسسه یک دولت متعاهد بطور مستقیم یا غیرمستقیم در مدیریت، کنترل یا سرمایه موسسه دولت متعاهد دیگر مشارکت داشته باشد،

یا

ب: اشخاصی واحد بطور مستقیم یا غیر مستقیم در مدیریت، کنترل یا سرمایه موسسه یک دولت متعاهد

الف : موسسه یک دولت متعاقد بطور مستقیم یا غیرمستقیم در مدیریت ، کنترل یا سرمایه موسسه دولت متعاقد دیگر مشارکت داشته باشد ،

با

ب : اشخاصی واحد بطور مستقیم یا غیر مستقیم در مدیریت ، کنترل یا سرمایه موسسه یک دولت متعاقد و موسسه دولت متعاقد دیگر مشارکت داشته باشند ،

و در هریک از دو مورد شرایط مورد توافق یا مقرر در روابط تجاری یا مالی بین این دو موسسه ، متفاوت از شرایطی باشد که بین موسسات مستقل برقرار است ، در آنصورت هرگونه درآمدی که باید عاید یکی از این موسسات میشد ، ولی بعلت آن شرایط ، عاید نشده است میتواند جزو درآمد آن موسسه منظور شده و مشمول مالیات متعلقه شود.

۲- در صورتیکه یک دولت متعاقد درآمدهائی که در دولت متعاقد دیگر بابت آنها از موسسه آن دولت متعاقد دیگر مالیات اخذ شده ، جزء درآمدهای موسسه خود منظور و آنها را مشمول مالیات کند ، و درآمد مزبور درآمدی باشد که چنانچه شرایط استقلال بین دو موسسه حاکم بود ، عاید موسسه دولت نخست میشد ، در این صورت آن دولت متعاقد دیگر در میزان مالیات متعلقه بر آن درآمد ، در صورت موجه بودن تعدیل مناسبی را بعمل خواهد آورد . در تعیین چنین تعدیلاتی سایر مقررات این موافقتنامه باید لحاظ شود و مقامات صلاحیتدار دو دولت متعاقد در صورت لزوم بایکدیگر مشورت خواهند کرد .

ماده ۱۰

سود سهام

۱- سود سهام پرداختی توسط شرکت مقیم یک دولت متعاقد به مقیم دولت متعاقد دیگر مشمول مالیات آن دولت دیگر میشود.

۲- مع ذلک این سود سهام ممکن است در دولت متعاقدی که شرکت پرداخت کننده سود سهام مقیم آن است طبق قوانین آن دولت نیز مشمول مالیات شود ، ولی در صورتیکه دریافت کننده ، مالک منافع سود سهام باشد ، مالیات متعلقه از مبالغ زیر تجاوز نخواهد کرد :

الف : (۱۵) درصد مبلغ ناخالص سود سهام ، در صورتیکه دریافت کننده شرکتی (بغیر از مشارکینها) باشد که حداقل (۲۵) درصد سرمایه شرکت پرداخت کننده سود سهام را مستقیماً در اختیار داشته باشد .

ب : (۲۰) درصد مبلغ ناخالص سود سهام در کلیه سایر موارد را در اختیار داشته باشد .

۳- اصطلاح 'سود سهام' در این ماده اطلاق میشود به درآمد حاصل از سهام ، سهام منافع یا حقوق سهام منافع ، سهام موسسین یا سایر حقوق (باستثنای مطالبات دیون ، مشارکت در منافع) و نیز درآمد حاصل از سایر حقوق شراکتی که طبق قوانین دولت محل اقامت شرکت تقسیم کننده درآمد ، مشمول همان رفتار مالیاتی است که در مورد درآمد حاصل از سهام اعمال میگردد.

۴- منافع شرکت یک دولت متعاقد که در دولت متعاقد دیگر از طریق مقر دائم واقع در آن فعالیت شغلی دارد ، پس از اینکه بموجب ماده (۷) مشمول مالیات گردید ، میتواند نسبت به مبلغ باقیمانده ، در دولت متعاقدی که مقر دائم در آن واقع است و طبق مقررات جزء الف بند (۲) مشمول مالیات شود.

۵- هرگاه مالک منافع سود سهام مقیم یک دولت متعاقد بوده و در دولت متعاقد دیگر که شرکت پرداخت کننده سود سهام مقیم آن است ، از طریق مقر دائم واقع در آن ، به فعالیت شغلی بپردازد یا از پایگاه ثابت واقع در آن دولت متعاقد دیگر خدمات شخصی مستقل انجام دهد و سهامی که از بابت آن سود سهام پرداخت میشود بطور مؤثر مرتبط با این مقررات یا پایگاه ثابت باشد ، مقررات بندهای (۱) و (۲) جاری نخواهد بود . در این صورت ، مقررات مواد (۷) یا (۱۴) ، حسب مورد ، مجری خواهد بود.

سود سهام مقیم آن است ، از طریق مقر دائم واقع در آن ، به فعالیت شغلی بپردازد یا از پایگاه ثابت واقع در آن دولت متعاقد دیگر خدمات شخصی مستقل انجام دهد و سهامی که از بابت آن سود سهام پرداخت میشود بطور موثر مرتبط با این مقر دائم یا پایگاه ثابت باشد ، مقررات بندهای (۱ و ۲) جاری نخواهد بود . در این صورت ، مقررات مواد (۷) یا (۱۴) ، حسب مورد ، مجری خواهد بود.

۶- با رعایت بند (۴) ماده (۱۰) ، در صورتیکه شرکت مقیم یک دولت متعاقد ، منافع یا درآمدی از دولت متعاقد دیگر تحصیل کند ، آن دولت متعاقد دیگر هیچ نوع مالیاتی بر سود سهام پرداختی توسط این شرکت وضع نخواهد کرد (بغیر از مواقعی که این سود سهام به مقیم آن دولت دیگر پرداخت شود یا مواقعی که سوپهای که بابت آن

سود سهام پرداخت میشود بطور موثر مرتبط با مقر دائم یا پایگاه ثابت واقع در آن دولت دیگر باشد) ، و منافع تقسیم نشده شرکت را نیز مشمول مالیات نخواهد کرد ، حتی اگر سود سهام پرداختی یا منافع تقسیم نشده ، کلاً یا جزئاً از منافع یا درآمد حاصل در آن دولت دیگر تشکیل شود .

ماده ۱۱

هزینه های مالی

۱- هزینه های مالی حاصل در یک دولت متعاقد که به مقیم دولت متعاقد دیگر پرداخت شده مشمول مالیات آن دولت می شود .

۲- مع ذالک ، این هزینه های مالی ممکن است در دولت متعاقدی که حاصل شده و طبق قوانین آن نیز مشمول مالیات شود ، ولی چنانچه دریافت کننده ، مالک منافع هزینه های مالی باشد ، مالیات متعلقه از (۱۰) درصد مبلغ ناخالص هزینه های مالی تجاوز نخواهد کرد.

۳- علیرغم مقررات بنسب (۲) ، هزینه های مالی حاصل :

الف : در ترکیه و پرداخت شده به جمهوری اسلامی ایران یا بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران یا بانک توسعه صادرات از مالیات ترکیه معاف خواهد بود.

ب : در جمهوری اسلامی ایران و پرداخت شده به دولت ترکیه یا بانک مرکزی ترکیه یا ترکیش اکریم بانک از مالیات جمهوری اسلامی ایران معاف خواهد بود.

۴- اصطلاح " هزینه های مالی " بنحویکه در این ماده بکار رفته است به درآمد ناشی از هر نوع مطالبات دینی اعم از آنکه دارای وثیقه و یا متضمن حق مشارکت در منافع بدهکار باشد یا نباشد ، و بخصوص درآمد ناشی از اوراق بهادار دولتی و درآمد ناشی از اوراق قرضه یا سهام قرضه شامل حق بیمه و جوایز متعلق به اوراق بهادار ، اوراق قرضه یا سهام قرضه مزبور اطلاق میگردد. جریمه های تاخیر تادیه از لحاظ این ماده هزینه های مالی محسوب نخواهد شد.

۵- هرگاه مالک منافع هزینه های مالی ، مقیم یک دولت متعاقد بوده و در دولت متعاقد دیگری که هزینه های مالی در آنجا حاصل شده از طریق مقر دائم واقع در آن فعالیت شغلی داشته باشد و مطالبات دینی که هزینه های مالی از بابت آن پرداخت میشود بطور موثر مربوط به این مقر دائم یا پایگاه ثابت باشد ، مقررات بندهای (۱) و (۲) این ماده اعمال خواهد شد. در این صورت حسب مورد ، مقررات مواد (۷) یا (۱۴) مجری خواهد بود.

۶- هزینه های مالی در صورتی حاصل شده در یک دولت متعاقد تلقی خواهد گردید که پرداخت کننده خود دولت ، تقسیم فرعی سیاسی آن ، مقام محلی ، یا فردی مقیم آن دولت باشد . مع ذالک ، در صورتیکه شخص پرداخت کننده هزینه های مالی ، خواه مقیم یک دولت متعاقد باشد یا نباشد ، در یک دولت متعاقد و در ارتباط با دینی که هزینه های مالی به آن تعلق میگیرد دارای مقر دائم بوده و پرداخت این هزینه های مالی برعهده آن مقر دائم باشد ، در این صورت چنین تلقی خواهد شد که هزینه های مالی مذکور ، در دولت متعاقد محل وقوع مقر دائم حاصل شده است .

۷- در صورتیکه بدلیل وجود رابطه خاص بین پرداخت کننده و مالک منافع یا بین هر دوی آنها و شخص دیگری ، مبلغ هزینه های مالی که در مورد مطالبات دینی پرداخت میشود از مبلغی که در صورت عدم وجود چنین ارتباطی بین

هزینه های مالی به آن تعلق میگیرد دارای مقرراتم بوده و پرداخت این هزینه های مالی برعهده آن مقرر دائم باشد .
 در اینصورت چنین تلقی خواهد شد که هزینه های مالی مذکور ، در دولت متعاهد محل وقوع مقرر دائم حاصل شده است .
 ۷- در صورتیکه بدلیل وجود رابطه خاص بین پرداخت کننده و مالک منافع یا بین هر دوی آنها و شخص دیگری ، مبلغ هزینه های مالی که در مورد مطالبات دینی پرداخت میشود از مبلغی که در صورت عدم وجود چنین ارتباطی بین پرداخت کننده و مالک منافع توافق میشود ، بیشتر باشد ، مقررات این ماده فقط نسبت به مبلغ اخیرالذکر اعمال خواهد شد .
 در این مورد ، قسمت مازاد پرداختی ، طبق قوانین هریک از دولتهای متعاهد و با رعایت سایر مقررات این موافقتنامه مشمول مالیات خواهد بود .

ماده ۱۲

حق امتیازها

- ۱- حق امتیازهایی که در یک دولت متعاهد حاصل و به مقیم دولت متعاهد دیگر پرداخت شده ، مشمول مالیات آن دولت متعاهد دیگر میشود .
- ۲- مع ذلک ، این حق امتیازها ممکن است در دولت متعاهدی که حاصل شده طبق قوانین آن دولت نیز مشمول مالیات شود ، ولی چنانچه دریافت کننده ، مالک منافع حق امتیاز باشد ، مالیات متعلقه بیش از (۱۰) درصد مبلغ ناخالص حق امتیاز نخواهد بود .
- ۳- اصطلاح "حق امتیاز" در این ماده به هر نوع وجوه دریافت شده در ازای استفاده یا حق استفاده از هر نوع حق چاپ و انتشار آثار ادبی ، هنری یا علمی از جمله فیلمهای سینمایی و نوارهای رادیویی و تلویزیونی ، هرگونه حق انحصاری اختراع ، علامت تجاری ، طرح یا نمونه ، نقشه ، فرمول یا فرآیند سری ، یا اطلاعات مربوط به تجارب صنعتی ، بازرگانی یا علمی ، یا استفاده یا حق استفاده از تجهیزات صنعتی ، بازرگانی یا علمی اطلاق میشود .
- ۴- هرگاه مالک منافع حق امتیاز، مقیم یک دولت متعاهد بوده و در دولت متعاهد دیگر که حق امتیاز حاصل میشود از طریق مقرراتم واقع در آن ، فعالیت شغلی داشته باشد ، و حق یا اموالیکه حق امتیاز نسبت به آنها پرداخت میشود بطور موثری با این مقرر دائم ارتباط داشته باشد ، مقررات بندهای (۱) و (۲) اعمال نخواهد شد . در این صورت مقررات ماده (۷) مجری خواهد بود .
- ۵- حق امتیاز در یک دولت متعاهد در صورتی حاصل شده تلقی خواهد شد که پرداخت کننده خود آن دولت ، تقسیم فرعی سیاسی ، مقام محلی یا فرد مقیم آن دولت باشد .
 مع ذلک در صورتیکه ، شخص پرداخت کننده حق امتیاز (خواه مقیم یک دولت متعاهد باشد یا نباشد) در یک دولت متعاهد دارای مقرر دائمی باشد که حق یا اموال موجد حق امتیاز بنحو موثری با آن مقرر دائم ارتباط داشته و پرداخت حق امتیاز برعهده مقرر دائم مذکور باشد حق امتیاز در دولت متعاهدی حاصل شده تلقی خواهد شد که مقرراتم مزبور در آن واقع است .
- ۶- چنانچه به سبب وجود رابطه ای خاص میان پرداخت کننده و مالک منافع یا بین هر دوی آنها با شخص دیگری ، مبلغ حق امتیازی که با در نظر گرفتن استفاده ، حق استفاده یا اطلاعاتی که بابت آنها حق امتیاز پرداخت میشود ، از مبلغی که در صورت عدم وجود چنین ارتباطی بین پرداخت کننده و مالک منافع توافق میشود بیشتر باشد ، مقررات این ماده فقط نسبت به مبلغ اخیرالذکر مجری خواهد بود . در اینگونه موارد ، قسمت مازاد پرداختی طبق قوانین هریک از دولت های متعاهد و با رعایت سایر مقررات این موافقتنامه مشمول مالیات باقی خواهد ماند .

ماده ۱۳

عواید سرمایه ای

- ۱- عواید حاصل توسط مقیم یک دولت متعاهد از نقل و انتقال اموال غیرمنقول مذکور در ماده (۶) که در دولت متعاهد دیگر قرار دارد ، مشمول مالیات آن دولت متعاهد دیگر میشود .

ماده ۱۳

عواید سرمایه‌ای

- ۱- عواید حاصل توسط مقیم یک دولت متعاهد از نقل و انتقال اموال غیرمنقول مذکور در ماده (۶) که در دولت متعاهد دیگر قرار دارد، مشمول مالیات آن دولت متعاهد دیگر میشود.
- ۲- عواید ناشی از نقل و انتقال اموال منقولی که بخشی از وسایل کسب و کار مقرر دائم مؤسسه یک دولت متعاهد در دولت متعاهد دیگر میباشد، یا اموال منقول متعلق به پایگاه ثابتی که در اختیار مقیم یک دولت متعاهد بمنظور انجام خدمات شخصی مستقل در دولت متعاهد دیگر میباشد، شامل عواید ناشی از نقل و انتقال مقرر دائم (به تنهایی یا همراه با کل مؤسسه) یا پایگاه ثابت مزبور، مشمول مالیات آن دولت متعاهد دیگر میشود.
- ۳- عواید حاصل از نقل و انتقال کشتی‌ها، وسائط نقلیه هوایی یا جاده‌ای مورد استفاده در حمل و نقل بین‌المللی یا اموال منقول مرتبط با استفاده از این کشتی‌ها، وسائط نقلیه هوایی یا جاده‌ای، فقط مشمول مالیات آن دولت متعاهدی خواهند بود که دفتر ثبت شده آن مؤسسه در آن واقع است.
- ۴- عواید ناشی از نقل و انتقال هر مالی بغیر از موارد مذکور در بندهای (۱)، (۲) و (۳) فقط مشمول مالیات دولت متعاهدی که انتقال دهنده مقیم آن است خواهد بود. معذالک عواید سرمایه‌های مذکور در فوق و حاصل از دولت متعاهد دیگر مشمول مالیات آن دولت متعاهد دیگر خواهد بود مشروط بر اینکه فاصله زمانی بین تحصیل و نقل و انتقال از یکسال تجاوز ننماید.

ماده ۱۴

خدمات شخصی مستقل

- ۱- درآمد حاصل توسط مقیم یک دولت متعاهد بسبب خدمات حرفه‌ای یا سایر فعالیتهای مستقل، فقط در آن دولت متعاهد مشمول مالیات خواهد بود مگر آنکه این شخص بمنظور ارائه فعالیت خود بطور منظم پایگاه ثابتی در دولت متعاهد دیگر در اختیار داشته باشد که در اینصورت این درآمد فقط تا حدودی که مربوط به آن پایگاه ثابت باشد، مشمول مالیات دولت متعاهد دیگر خواهد بود.
- ۲- اصطلاح خدمات حرفه‌ای بویژه شامل فعالیتهای مستقل علمی، ادبی، هنری، پرورشی، آموزشی و همچنین فعالیتهای مستقل پزشکیان، وکلای دادگستری، مهندسان، معماران، دندانپزشکان و حسابداران میباشد.

ماده ۱۵

خدمات شخصی غیر مستقل

- ۱- بارعایت مقررات مواد (۱۶)، (۱۸)، (۱۹) و (۲۰)، حقوق، مزد و سایر حق الزحمه‌های مشابه که مقیم یک دولت متعاهد به سبب استخدام دریافت میدارد فقط مشمول مالیات همان دولت میباشد مگر آنکه استخدام در دولت متعاهد دیگر انجام شود که در اینصورت حق الزحمه حاصل از آن مشمول مالیات آن دولت متعاهد دیگر میشود.
- ۲- علی‌رغم مقررات بند (۱)، حق الزحمه مقیم یک دولت متعاهد به سبب استخدامی که در دولت متعاهد دیگر انجام شده فقط مشمول مالیات دولت نخست خواهد بود مشروط بر آنکه:
 - الف: جمع مدتی که دریافت کننده در یک یا چند نوبت در دولت متعاهد دیگر بسر برده است از (۱۸۳) روز، در دوره دوازده ماهه‌ای که در سال مالی مربوط شروع یا خاتمه می‌یابد تجاوز نکند، و
 - ب: حق الزحمه توسط یا از طرف کارفرمائی که مقیم دولت متعاهد دیگر نیست پرداخت شود، و
 - پ: پرداخت حق الزحمه برعهده مقرراتم یا پایگاه ثابتی نباشد که کارفرما در دولت متعاهد دیگر دارد.

- ۳- علی‌رغم مقررات یاد شده در این ماده، حق الزحمه حاصل در ارتباط با استخدام در کشتی، وسائط نقلیه هوایی یا جاده‌ای مورد استفاده در حمل و نقل بین‌المللی فقط مشمول مالیات دولت متعاهدی خواهند بود که دفتر ثبت شده آن مؤسسه در آن واقع است.

پ : پرداخت حق الزحمه برعهده مقدراتم یا پایگاه ثابتی نباشد که کارفرما در دولت متعاقد دیگر دارد.

۳- علیرغم مقررات یاد شده در این ماده ، حق الزحمه حاصل در ارتباط با استخدام درکشتی ، وسائط نقلیه هوایی یا جاده ای مورد استفاده در حمل و نقل بین المللی فقط مشمول مالیات دولت متعاقدی خواهد بود که دفتر ثبت شده آن موسسه در آن واقع است.

ماده ۱۶

حق الزحمه مدیران

حق الزحمه مدیران و پرداختهای مشابه دیگری که مقیم یک دولت متعاقد بلحاظ سمت خود بعنوان عضو هیات مدیره شرکت مقیم دولت متعاقد دیگر تحصیل مینماید ، مشمول مالیات آن دولت متعاقد دیگر میشود.

ماده ۱۷

هنرمندان و ورزشکاران

۱- درآمدیکه مقیم یک دولت متعاقد بعنوان هنرمند ، از قبیل هنرمند تئاتر ، سینما ، رادیو یا تلویزیون ، یا موسیقیدان ، یا بعنوان ورزشکار بابت فعالیتهای شخصی خود در دولت متعاقد دیگر حاصل مینماید ، علیرغم مقررات مواد (۱۴) و (۱۵) مشمول مالیات آن دولت متعاقد دیگر میشود.

۲- در صورتیکه درآمد مربوط به فعالیتهای شخصی هنرمند یا ورزشکار در سمت خود به آن هنرمند یا ورزشکار تعلق نگرفته و عاید شخص دیگری شود ، علیرغم مقررات مواد (۷، ۱۴ و ۱۵) آن درآمد مشمول مالیات دولت متعاقدی میشود که فعالیتهای هنرمند یا ورزشکار در آن انجام میگردد.

۳- مقررات بندهای (۱ و ۲) در مورد درآمدی که هنرمندان یا ورزشکاران بابت فعالیتهای ارائه شده در یک دولت متعاقد تحصیل مینمایند جاری نخواهد بود ، مشروط بر اینکه هزینه بازدید از آن دولت کاملاً یا عمدتاً از اعتبارات عمومی آن دولت متعاقد دیگر ، تقسیم فرعی سیاسی یا مقام محلی آن تأمین شود.

ماده ۱۸

حقوق بازنشستگی

۱- با رعایت مفاد بند (۱) ماده (۱۹) ، حقوق بازنشستگی و سایر وجوه مشابه پرداختی به مقیم یک دولت متعاقد به ازای خدمات گذشته ، فقط مشمول مالیات آن دولت متعاقد خواهد بود. این مقررات برای مستمریهای سالانه مادام العمر پرداختی به مقیم یک دولت متعاقد نیز بکار می رود.

۲- حقوق بازنشستگی ، مستمریهای سالانه مادام العمر و سایر پرداختهای ادواری یا موردی توسط یک دولت متعاقد بابت بیمه حوادث شخصی ، فقط میتواند در آن دولت مشمول مالیات شود.

ماده ۱۹

خدمات دولتی

۱- حق الزحمه از جمله حقوق بازنشستگی پرداختی توسط یا از محل صندوق ایجاد شده یک دولت متعاقد ، تقسیم فرعی سیاسی یا مقام محلی آن به هر شخص حقیقی بابت خدمات انجام شده برای آن دولت یا تقسیم فرعی یا مقام مربوطه در قبال کارهایی که ماهیتاً دولتی میباشد فقط مشمول مالیات آن دولت متعاقد خواهد بود.

۲- در مورد حقوق و مقرریهای بازنشستگی بابت خدمات ارائه شده در رابطه با فعالیتهای تجاری که یک دولت متعاقد یا تقسیم فرعی سیاسی یا مقام محلی آن انجام میدهد مقررات مواد (۱۵ ، ۱۶ ، ۱۸) مجری خواهد بود.

مربوطه در قبال کارهایی که ماهیتاً دولتی میباشند فقط مشمول مالیات آن دولت متعاقد خواهد بود.

۲- در مورد حقوق و مقرریهای بازنشستگی بابت خدمات ارائه شده در رابطه با فعالیتهای تجاری که یک دولت متعاقد یا تقسیم فرعی سیاسی یا مقام محلی آن انجام میدهد مقررات مواد (۱۵، ۱۶ و ۱۸) مجری خواهد بود.

ماده ۲۰

مدرسین و محصلین

۱- وجوهیکه محصل یا کارآموزی که تبعه یک دولت متعاقد بوده و صرفاً بمنظور تحصیل یا کارآموزی در دولت متعاقد دیگر بسر میبرد، برای مخارج زندگی، تحصیل یا کارآموزی خود دریافت میدارد، مشمول مالیات آن دولت متعاقد دیگر نخواهد بود، مشروط برآنکه پرداختهای مزبور از منابع خارج از آن دولت دیگر حاصل شود.

۲- همچنین، حق الزحمه دریافتی توسط مدرس یا معلمی که تبعه یک دولت متعاقد بوده و بمنظور اولیه تدریس یا انجام تحقیق علمی برای یک دوره یا دوره هائیکه از دو سال تجاوز نکند در دولت متعاقد دیگر بسر میبرد، از مالیات آن دولت دیگر بر حق الزحمه، بابت خدمات شخصی مربوط به تدریس یا تحقیق معاف خواهد بود، مشروط برآنکه پرداختهای مزبور از منابع خارج از آن دولت دیگر حاصل شوند. مفاد این بند در مورد درآمد حاصل از تحقیقاتی که اساساً برای منافع خصوصی شخصی یا اشخاص بخصوصی انجام میشود، مجری نخواهد بود.

ماده ۲۱

سایر درآمدها

اقدام درآمد مقیم یک دولت متعاقد که در مواد قبلی این موافقتنامه مورد حتم قرار نگرفته است، در هر کجا که حاصل شود، صرفاً مشمول مالیات آن دولت متعاقد خواهد بود.

ماده ۲۲

سرمایه

۱- سرمایه متشکل از اموال غیر منقول مذکور در ماده (۶) که متعلق به مقیم یک دولت متعاقد بوده و در دولت متعاقد دیگر واقع شده مشمول مالیات آن دولت دیگر میشود.

۲- سرمایه متشکل از اموال منقولی که بخشی از وسائل کسب و کار مقرر دائمی کسه موسسه یک دولت متعاقد در دولت متعاقد دیگر دارد میباشد یا اموال منقولی که متعلق به پایگاه ثابتی است که در اختیار مقیم یک دولت متعاقد بمنظور انجام خدمات شخصی مستقل در دولت متعاقد دیگر میباشد، مشمول مالیات آن دولت متعاقد دیگر میشود.

۳- سرمایه متشکل از کشتیها، وسائط نقلیه هوایی و جاده ای مورد استفاده در حمل و نقل بین المللی و همچنین اموال منقول مرتبط با استفاده از این کشتیها، وسائط نقلیه هوایی و جاده ای فقط مشمول مالیات آن دولت متعاقدی خواهد بود که دفتر ثبت شده موسسه در آن واقع است.

۴- کلیه موارد دیگر سرمایه مقیم یک دولت متعاقد فقط مشمول مالیات آن دولت خواهد بود.

ماده ۲۳

آئین حذف مالیات مضاعف

۱- در صورتیکه مقیم یک دولت متعاقد درآمدی حاصل کند یا سرمایه ای داشته باشد که طبق مقررات این موافقتنامه مشمول مالیات دولت متعاقد دیگر شود، دولت نخست اجازه خواهد داد:

آئین حذف مالیات مضاعف

۱- در صورتیکه مقیم یک دولت متعاقد درآمدی حاصل کند یا سرمایه ای داشته باشد که طبق مقررات این موافقتنامه مشمول مالیات دولت متعاقد دیگر شود، دولت نخست اجازه خواهد داد:

الف: مبلغی برابر با مالیات بر درآمد پرداختی در آن دولت دیگر، از مالیات بر درآمد آن مقیم کسر شود.

ب: مبلغی برابر با مالیات بر سرمایه پرداختی در آن دولت دیگر، از مالیات بر سرمایه آن مقیم کسر شود.

مع ذلک در هریک از دو مورد، اینگونه کسورات نباید از میزان مالیات بر درآمد و سرمایه ای که پیش از کسر، حسب مورد به در آمد یا سرمایه ای که در آن دولت دیگر تعلق میگرفته، بیشتر باشد.

۲- در صورتیکه طبق هریک از مقررات این موافقتنامه درآمد حاصل یا سرمایه متعلق به مقیم یک دولت متعاقد از مالیات آن دولت معاف باشد، دولت مزبور می تواند علیرغم معافیت، در محاسبه مالیات بر باقیمانده درآمد یا سرمایه این مقیم، درآمد یا سرمایه معاف شده را منظور کند.

ماده ۲۴

عدم تبعیض

۱- اتباع یک دولت متعاقد در دولت متعاقد دیگر، مشمول هیچگونه مالیات یا الزامات مربوط به آن که سنگینتر یا غیر از مالیات یا الزاماتی است که اتباع دولت متعاقد دیگر تحت همان شرایط مشمول آن هستند یا ممکن است مشمول آن شوند، نخواهند بود. علیرغم مقررات ماده (۱)، این مقررات شامل اشخاصیکه مقیم یک یا هر دو دولت متعاقد نیستند نیز خواهد بود.

۲- با رعایت مقررات بند (۴) ماده (۱۰)، مالیاتی که از مقر دائم موسسه یک دولت متعاقد در دولت متعاقد دیگر اخذ میشود نباید از مالیات موسسات آن دولت متعاقد دیگر که همان فعالیت ها را انجام میدهند نامساعدتر باشد.

۳- موسسات یک دولت متعاقد که سرمایه آنها کلاً یا جزئاً، بطور مستقیم یا غیر مستقیم در مالکیت یا کنترل یک یا چند مقیم دولت متعاقد دیگر میباشد، در دولت نخست مشمول هیچگونه مالیات یا الزامات مربوط به آن، که سنگینتر یا غیر از مالیات و الزاماتی است که سایر موسسات مشابه در آن دولت نخست مشمول آن هستند یا ممکن است مشمول آن شوند، نخواهند شد.

۴- این مقررات بگونه ای تعبیر نخواهد شد که یک دولت متعاقد را ملزم نماید که هر نوع مزایای شخصی، بخشودگی و تخفیف مالیاتی را که بعلت احوال شخصیه یا مسئولیتهای خانوادگی به اشخاص مقیم خود اعطا مینماید به اشخاص مقیم دولت متعاقد دیگر نیز اعطا کند.

ماده ۲۵

تبادل اطلاعات

۱- مقامات صلاحیتدار دو دولت متعاقد اطلاعات ضروری برای اجرای مقررات این موافقتنامه یا برای اجرای قوانین داخلی غیر مغایر با این موافقتنامه را که مربوط به مالیاتهای مشمول این موافقتنامه باشد، مبادله خواهند کرد. هر نوع اطلاعاتی که بوسیله یک دولت متعاقد دریافت میشود، بهمان شیوه ای که اطلاعات بدست آمده تحت قوانین داخلی آن دولت نگهداری میشود بصورت محرمانه تلقی خواهد شد، و فقط برای اشخاص یا مقامات از جمله دادگاهها و مراجع اداری که به امر تشخیص، وصول، اجرا یا پیگیری اشتغال دارند، یا در مورد پژوهش خواهیهای مربوط به مالیاتهای مشمول این موافقتنامه تصمیم گیری می کنند، فاش خواهد شد. اشخاص یا مقامات یاد شده، اطلاعات را فقط برای چنین مقاصدی مورد استفاده قرار خواهند داد. آنها میتوانند این اطلاعات را در جریان دادرسیهای علنی دادگاهها یا طی تصمیمات قضائی فاش سازند.

۲- مقررات بند (۱) در هیچ مورد بنحوی تعبیر نخواهد شد که یک دولت متعاقد را وادار سازد:

چنین معاصدی مورد استعاده قرار خواهند داد. آنها میتوانند این اطلاعات را در جریان دادرسیهای علنی دادگاهها یا طی تصمیمات قضائی فاش سازند.

۲- مقرراتیند (۱) در هیچ مورد بنحوی تعبیر نخواهد شد که یک دولت متعاقد را وادار سازد:

الف : اقدامات اداری خلاف قوانین و رویه اداری خود یا دولت متعاقد دیگر اتخاذ نماید.

ب : اطلاعاتی را فراهم نماید که طبق قوانین یا روش اداری متعارف خود یا دولت متعاقد دیگر قابل تحصیل نیست.

پ : اطلاعاتی را فراهم نماید که منجر به افشای هر نوع اسرار تجاری ، شغلی ، صنعتی ، بازرگانی یا حرفه ای یا فرآیند تجاری شود یا افشای آن خلاف خط مشی عمومی (نظم عمومی) باشد.

ماده ۲۶

آئین توافق دوجانبه

۱- در صورتیکه مقیم یک دولت متعاقد بر این نظر باشد که اقدامات یک یا هر دو دولت متعاقد در مورد وی از لحاظ مالیاتی منتج به نتایجی شده یا خواهد شد که منطبق با این موافقتنامه نمیشود ، صرفنظر از طرق احقاق حق پیش بینی شده در قوانین ملی دولت های مزبور ، میتواند اعتراض خود را به مقام صلاحیتدار دولت متعاقدی که مقیم آن است ، یا چنانچه مورد او مشمول بند (۱) ماده (۲۴) باشد ، به مقام صلاحیتدار دولت متعاقدی که تبعه آن است تسلیم نماید. اعتراض باید ظرف مدت تعیین شده در قوانین داخلی دولتهای متعاقد تسلیم شود.

۲- اگر مقام صلاحیتدار اعتراض را موجه بیابد ولی خود نتواند به راه حل مناسبی برسد ، برای اجتناب از اخذ مالیاتی که مطابق این موافقتنامه نمیشود ، خواهد کوشید که از طریق توافق متقابل با مقام صلاحیتدار دولت متعاقد دیگر موضوع را فیصله دهد. هر توافقی که حاصل شود ظرف مدت تعیین شده در قوانین داخلی دولتهای متعاقد ، اجرا خواهد شد.

۳- مقامات صلاحیتدار دو دولت متعاقد تلاش خواهند کرد که کلیه مشکلات یا شبهات ناشی از تفسیر یا اجرای این موافقتنامه را با توافق دوجانبه فیصله دهند و همچنین میتوانند بمنظور حذف مالیات مضاعف در مواردیکه در این موافقتنامه پیش بینی نشده است با یکدیگر مشورت کنند.

۴- مقامات صلاحیتدار دو دولت متعاقد میتوانند بمنظور حصول توافق در موارد بندهای پیشین ، مستقیماً با یکدیگر ارتباط حاصل کنند. در صورتیکه بمنظور نیل به توافق، تبادل شفاهی نظریات توصیه شود ، چنین تبدالی میتواند از طریق کمیسیونی متشکل از نمایندگان مقامات صلاحیتدار انجام شود.

ماده ۲۷

اعضای هیاتهای نمایندگی و ماموریتهای سیاسی و مناصب کنسولی

مقررات این موافقتنامه بر امتیازات مالی اعضای هیاتهای نمایندگی و ماموریتهای سیاسی یا مناصب کنسولی که بموجب قواعد عمومی حقوق بین الملل یا مقررات موافقتنامه های خاص از آن برخوردار میباشند ، تاثیری نخواهد گذاشت.

ماده ۲۸

لازم الاجرا شدن

۱- دولتهای متعاقد این موافقتنامه را تصویب و اسناد تصویب را در اسرع وقت مبادله خواهند کرد.

این موافقتنامه با مبادله اسناد تصویب ، قوت قانونی خواهد یافت و مقررات آن در موارد زیر نافذ خواهد شد: 28.03.2015 22:22

الف : در مورد مالیاتهای تکلیفی، به آن قسمت از درآمدی که از تاریخ یازدهم دیماه برابر با اول ژانویه یا به بعد

- ۱- دولتهای متعاقد این موافقتنامه را تصویب و اسناد تصویب را در اسرع وقت مبادله خواهند کرد.
- ۲- این موافقتنامه با مبادله اسناد تصویب ، قوت قانونی خواهد یافت و مقررات آن در موارد زیر نافذ خواهد شد:
- الف : در مورد مالیاتهای تکلیفی، به آن قسمت از درآمدی که از تاریخ یازدهم دیماه برابر با اول ژانویه یا به بعد سال تقویمی متعاقب سالی که این موافقتنامه لازم الاجرا میگردد ، حاصل میشود.
- ب : در مورد سایر مالیات های بردرآمد و سرمایه ، به آنگونه از مالیاتهای متعلقه به هر سال مالیاتی که از تاریخ یازدهم دیماه برابر با اول ژانویه یا به بعد سال تقویمی متعاقب سالی که این موافقتنامه لازم الاجرا میگردد، شروع میشود.

ماده ۲۹

فسخ

این موافقتنامه تا زمانی که توسط یک دولت متعاقد فسخ نشده لازم الاجرا خواهد بود. هریک از دولتهای متعاقد میتواند این موافقتنامه را از طریق مجاری سیاسی ، با ارائه یادداشت فسخ ، حداقل شش ماه قبل از پایان هر سال تقویمی بعد از دوره پنجساله از تاریخی که موافقتنامه لازم الاجرا میگردد ، فسخ نماید . در این صورت این موافقتنامه در موارد زیر نافذ نخواهد بود:

- الف : نسبت به مالیاتهای تکلیفی ، به آن قسمت از درآمدی که از تاریخ یازدهم دیماه برابر با اول ژانویه یا به بعد سال تقویمی متعاقب سالی که این یادداشت تسلیم شده است ، حاصل میشود.
- ب : در مورد سایر مالیاتهای بر درآمد و سرمایه به آنگونه از مالیاتهای متعلقه به هر سال مالیاتی که از تاریخ یازدهم دیماه برابر با اول ژانویه یا به بعد سال تقویمی متعاقب سالی که این یادداشت تسلیم شده است ، شروع میشود.

امضاء کنندگان زیر که از طرف دولت متبوع خود مجاز میباشند ، این موافقتنامه را امضاء نمودند.

این موافقتنامه در تهران در دو نسخه در تاریخ ۱۷/ ژوئن/ ۲۰۰۲ میلادی برابر با (۱۳۸۱/۳/۲۷ هجری شمسی) به زبانهای ترکی ، فارسی و انگلیسی تنظیم گردید. در صورت اختلاف در تفسیر ، متن انگلیسی حاکم خواهد بود.

از طرف دولت
جمهوری اسلامی ایران

از طرف دولت
جمهوری ترکیه